فهرست

[خطبه اول 1](#_Toc427919125)

[شهادت امام علی (ع) 1](#_Toc427919126)

[دیدگاه امام علی (ع) درباره مردم کوفه 1](#_Toc427919127)

[ویژگی های حضرت علی (ع) 2](#_Toc427919128)

[دیدگاه امام علی (ع) درباره مردم کوفه 4](#_Toc427919129)

[دیدگاه روانشناسی مردم کوفه از منظر حضرت علی (ع) 6](#_Toc427919130)

[ذکر مصیبت 10](#_Toc427919131)

# خطبه اول

**اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَمَا کنَّا لِنَهْتَدِی لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللّه[[1]](#footnote-1)؛ ثم الصلاة و السلام علی سَیِّدِنَا وَ نَبِیِّنَا أَبِی الْقَاسِمِ مُحَمَّدٍ وَ عَلی آله الأطیَّبینَ الأطهَرین لاسیُّما بقیة‌اللّه فی الارضین. اعوذ باللّه السمیع العلیم من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم «یا أَیهَا الَّذِینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِیرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ»[[2]](#footnote-2)**

**عِبادَالله اُوصیَکُم وَ نَفسیِ بِتَقوَی اللّه وَ مُلازِمَة اَمرِه وَ مُجانِبَة نَهیِه وَ تَجَهَّزوا رَحِمَکم اللّه، فَقَد نُودِیَ فیکُم بِالرَّحیل وَ تَزَوَّدوا فَإِنَّ خَیرَ الزّاد التقوی.**

همهٔ شما و خودم را به تقوای الهی دعوت می‌کنم. امیدواریم خداوند همهٔ ما را در این ماه، عمل به بندگی موفق بدارد.

# شهادت امام علی (ع)

ایام شهادت مولی‌الموحدین حضرت علی (ع) را به همهٔ شیعیان و محبین آن حضرت تسلیت عرض می‌کنم.

# دیدگاه امام علی (ع) درباره مردم کوفه

مطالبی را پیرامون روانشناسی و جامعه‌شناسی مردم کوفه از دیدگاه امام علی (ع) بیان می‌نمایم. مطالبی که بینش تاریخی و اسلامی ما را نسبت به آن حضرت افزایش می‌دهد و هم می‌تواند الهام‌بخش باشد. می‌دانیم که بعد از یک انحراف ممتد تاریخی که بعد از رحلت رسول خدا (ص) درروند تاریخ اسلام پدید آمد، مردم باتجربه‌ای که از حکومت انحرافی به دست آورده بودند، باکمال رغبت و شوق بازگشتی به حکومت علی (ع) پیدا کردند، با اصرار بیشتر مردم و جامعه‌ای که از انحرافات به‌خصوص در مسائل مالی در زمان خلیفهٔ سوم به وجود آمده بود، به ستوه آمده بودند. به اهل‌بیت (ع) پناه آوردند و با امام علی (ع) بیعت نمودند. این بیعت نویددهندهٔ یک تحول بزرگ اخلاقی، معنوی و اجتماعی در جامعهٔ انحراف زدهٔ آن روز بود. بیعت با حضرت علی (ع) روزنهٔ امید را در دل مردم روشن ساخت که بار دیگر جامعه به جایگاه اصلی اسلام بازگردد. اما علی‌رغم امیدی که در بین مردم پدید آمد، دیری نپایید و به شکست منجر شد و رهبری مانند علی (ع) که نمونهٔ تاریخ و کم‌نظیر دوران و در عدالت همتایی نداشت، حکومت ایشان را با شکست مواجهه ساختند. همین حکومت از یک منظر دیگر یک تجربهٔ ارزشمند تاریخی بود.

# ویژگی‌های حضرت علی (ع)

از ویژگی‌های ممتاز حضرت علی (ع) این بود که همهٔ دشمنان با همهٔ دشمنی که داشتند مقامات حضرت را قبول داشتند. روزی بعد از حکومت معاویه مردی از همدان به درگاه سلطنتی معاویه وارد شد درحالی‌که معاویه نشسته بود، عمر بن عاص وزیر حیله‌گر معاویه، در قصر معاویه، حضرت علی (ع) را مذمت می‌کرد و مقام والای آن حضرت را مورد نکوهش قرار داده بود. مرد همدانی به عمر بن عاص این‌طور گفت: پیامبر گرامی حضرت محمد بن عبدالله (ص) در شأن علی فرموده‌اند: **«من کنت مولاه فعلی مولاه»[[3]](#footnote-3)** شما چرا حضرت علی (ع) را نکوهش می‌کنید، از عمر بن عاص در پیشگاه معاویه سؤال می‌کند: بزرگان ما و نسل پیشین ما از زبان رسول خدا نقل کرد، این را قبول دارید یا نه؟ این‌یک نمونه از هزاران نمونه‌ای است که دشمن‌ترین دشمنان به مقام علی (ع) اعتراف می‌کند. قرائن تاریخی نشان‌دهندهٔ این موضوع است که معاویه و عمر بن عاص پایه همۀاختلافات و هر سه جنگ زمان حضرت علی (ع) به معاویه برمی‌گردد. در جنگ جمل و نهروان بااینکه مستقیم معاویه در کار نبود ولی غیرمستقیم توطئه و تحریک معاویه بود. در جنگ صفین هم معاویه و عمر بن عاص مستقیم مقابل حضرت علی (ع) قرار گرفت. عمر بن عاص در جواب مرد ایرانی می‌گوید: **«لیس احد من صحابه رسول‌الله «ص» له مناقب مثل مناقب علی»[[4]](#footnote-4)** هیچ‌کسی در میان اصحاب پیامبر (ص) مانند حضرت علی (ع) دارای فضیلت و منقبت نبود و به تعبیرهای دیگر علی (ع) در میان اصحاب مانند خورشید بود. اگر دیگر اصحاب پیامبر (ص) ماه و ستاره بودند، نور علم و ایمان حضرت علی (ع) مانند خورشید در جمع مسلمانان می‌درخشید. روزی عمر بن عبدالعزیز خلیفه‌ای که تا حدی با خلفای دیگر تفاوت داشت و تا حدی رعایت حریم خاندان رسالت را می‌کرد در زمان خلافت پدرش این‌گونه سخن می‌گوید: روزی به پدرم (عبدالعزیز) گفتم؛ هنگامی‌که من نام تو را می‌بینم وقتی به نام علی (ع) می‌رسی احساس می‌کنم زبان و چهره‌ات تغییر می‌کند. رسماً از زمان معاویه و در مساجد، حضرت علی (ع) را نفرین می‌کردند. از پدرش سؤال می‌کند، وقتی تو به نفرین علی (ع) می‌رسی دست‌وپایت می‌لرزد، رنگت تغییر می‌کند، علت آن چیست؟ پدرم جواب من را این‌گونه داد: اگر مردم از شخصیت درخشان و برجستهٔ علی آگاه شوند، اگر پرده‌های ظلم و ستمی که دشمنان بر چهرهٔ نورانی حضرت علی (ع) کشیدند، کنار برود، هیچ‌کدام از مردم از من به‌عنوان خلیفهٔ اموی اطاعت نخواهند کرد. اعتراف‌های معاویه، عایشه، طلحه و زبیر، سایر خلفای بنی‌امیه و خلفای بعدی بنی‌عباس که در طول چند قرن عرصهٔ خلافت را غصب کرده بودند، همه نمایانگر مقام والای مولایمان حضرت علی (ع) است. بنابراین ما برای شناخت حضرت علی (ع) لازم نیست به کتاب‌های شیعه مراجعه کنیم، کافی است به کلام منصفانه سرسخت‌ترین دشمنان علی (ع) مراجعه نماییم، چهرهٔ علی (ع) را پاک و نورانی مشاهده می‌کنیم. چهرهٔ امام عادل و عالم و هوشیاری که همه در برابر او احساس عجز می‌کردند. علی (ع) تجسم همهٔ آرمان‌های بلند و والای الهی بود و حتی در قرن ما بزرگان و متفکرانی که به ساحت قدس و مقام علی (ع) اندیشیده‌اند، جز اعتراف به عظمت و بزرگی، سخن دیگری نگفته‌اند. گاهی از روی اغراض اشکالاتی گرفته‌اند اما اینان هنگامی‌که پرده‌های لجاج و عنادشان کنار رفته در پروندهٔ علی (ع) نقطهٔ تاریکی نمی‌بینند. آری حضرت علی (ع) این‌گونه بود، مولایی که ما در شوق و مظلومیتش می‌گرییم. کوفه پایگاه شیعیان و محبان اهل‌بیت بود و به دلیل موقعیت مهم سیاسی و اقتصادی کوفه حضرت علی (ع) مقرّ حکومتش را در کوفه قرارداد و چند صباحی در آغاز بازگشت مردم به خلافت علی و مراجعت مردم به خانهٔ وحی، امیدهای زدودن انحرافات پدید آمد. اما باکمال تأسف بعد از گذشت چند سال از خلافت علی (ع)، جامعه مجدد به انحرافات دچار شد.

# دیدگاه امام علی (ع) درباره مردم کوفه

ابتدا گرچه امیدهایی پدید آمده بود، اما حضرت علی (ع) بارها انحراف در صفوف مسلمانان را هشدار می‌دادند و مکرر در سخنان خود سختی آینده را گوشزد می‌کردند. در ابتدای اینکه مردم به خانهٔ علی (ع) آمدند و با حضرت علی (ع) بیعت نمودند، امیرالمؤمنین در خطبهٔ 92 نهج‌البلاغه چنین فرمود: **«دَعُونِی وَ اِلْتَمِسُوا غَیرِی فَإِنَّا مُسْتَقْبِلُونَ أَمْراً لَهُ وُجُوهٌ وَ أَلْوَانٌ لاَ تَقُومُ لَهُ اَلْقُلُوبُ وَ لاَ تَثْبُتُ عَلَیهِ اَلْعُقُولُ»** مرا رها کنید، شما آمادگی برای بیعت با من ندارید، علی‌رغم اینکه از فساد موجود در حکومت در خلفا، احساس شرم و خجلت می‌کنید و به من پناه آورده‌اید، لکن پیش‌بینی من این است، که این دوام نمی‌آورد. مرا رها کنید و به سراغ دیگری بروید، ما در رویاروی داستان و فتنه‌ای قرار گرفتیم که رنگ‌ها و توضیحات گوناگونی برمی‌تابد، فتنه‌هایی که قلب‌های شما در برابر آن‌ها صلابت ندارد و اندیشه‌های شما در برابر تحلیل آن عاجزند. این سخنان پیش‌بینی نخست حضرت قبل از بیعتشان است. **«إِنَّ الْآفَاقَ قَدْ أَغَامَتْ وَ الْمَحَجَّةَ قَدْ تَنَکرَتْ»[[5]](#footnote-5)**ابرهای فتنه و فساد آفاق را تاریک خواهد کرد و راه‌ها را بر رهروان مخفی خواهد نمود و اندکی بعد از ایام خلافتشان، در نهج‌البلاغه خطبهٔ 97 می‌فرمایند**: «أَمَا وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ لَوْ تَعْلَمُونَ مَا أَعْلَمُ لَضَحِکْتُمْ قَلِیلًا وَ لَبَکَیْتُمْ»[[6]](#footnote-6)** من پیش‌بینی می‌کنم که این قوم (معاویه و سپاه شام) بر شما کانون کوفه پیروز خواهند شد. «**لَیسَ لِأَنَّهُمْ أَوْلَی بِالْحَقِّ مِنْکمْ»[[7]](#footnote-7)**. این پیروزی معاویه سپاه شام و بر سپاه اهل‌بیت و کوفه به دلیل حق بودن آن‌ها نیست، علت دیگری دارد **«و لکن لاسراعهم الی باطل صاحبهم و ابطائکم عن حقی»[[8]](#footnote-8).** بلکه فقط به این دلیل که آن قوم معاندو مخالف با خط اصیل اسلام دررفتن به‌سوی باطل بر یکدیگر سبقت می‌گیرند. اصحاب معاویه و شام دررفتن به سمت باطل از هم سبقت می‌گیرند، اما شما پیروان من در حقی که خدا بر من سپرده است و شما با بیعتی که انجام داده‌اید آن را پذیرفته‌اید، سستی و کاهلی می‌ورزید. و بعد باکمال سوزوگداز می‌فرماید: **«وَ لَقَدْ أَصْبَحَتِ اَلْأُمَمُ تَخَافُ ظُلْمَ رُعَاتِهَا وَ أَصْبَحْتُ أَخَافُ ظُلْمَ رَعِیتِی»[[9]](#footnote-9)** معمولاً سنت تاریخ به این است که حاکمان ظالم‌اند و از قدرت سوء استفاده می کننند و فریب قدرت را می‌خورند و آن را مایهٔ ستم به مردمان قرار می‌دهند معمولاً از ظلم حاکمان در هراس و نگرانی‌اند اما در حکومت من علی، من از ظلم شما مردم می‌ترسم. حکومت حاکم عادلی مانند حضرت علی (ع) که برای مردم حق اعتراض و انتقاد قائل بود، به دشمنان خود در حقی قائل بود که درملأعام بر حضرت خرده بگیرند و در تقسیم بیت‌المال ذره‌ای ظلم و جفا روا نمی‌داشت. **«اسْتَنْفَرْتُکمْ لِلْجِهَادِ فَلَمْ تَنْفِرُوا وَأَسْمَعْتُکمْ فَلَمْ تَسْمَعُوا»**[[10]](#footnote-10)چقدر شمارا به جهاد فراخواندم درحالی‌که شما حرکت نکردید. چقدر شمارا نصیحت نمودم و شما نشنیده‌اید. **«وَدَعَوْتُکمْ سِرّاً وَجَهْراً فَلَمْ تَسْتَجِیبُوا»[[11]](#footnote-11)** این دردهای حضرت است، دردهایی که هرزمان ممکن است تکرار شود، چقدر شما در آشکار و نهان به سوی خدا و عدل و ... فراخواندم اما نپذیرفتید «**وَنَصَحْتُ لَکمْ فَلَمْ تَقْبَلُوا»[[12]](#footnote-12)**هنوز سخن من به پایان نرسیده بود که شما متفرق شدید. **«فما آتی علی آخر قولی حتی اراکم متفرقین ایادی سبا»[[13]](#footnote-13)**این سخنان پیش‌بینی‌های حضرت علی (ع) است که می‌فرماید.

# دیدگاه روانشناسی مردم کوفه از منظر حضرت علی (ع)

1. اختلافی که بعد از مدتی از خلافت رسیدن حضرت در صفوف مسلمانان پدید آمده بود. نشانه‌های اختلاف و تفرقه در مردم کوفه در مدت کوتاهی پدید آمد. چندین مرتبه حضرت علی (ع) از اختلاف مردم می‌نالد. در خطبه 34 حضرت می‌فرماید**: «مَا أَنْتُمْ إِلَّا کإِبِلٍ ضَلَّ رُعَاتُهَا»[[14]](#footnote-14)**شما مردم مانند گله شتری هستید که چوپان آن ازدست‌رفته است گله بی‌صاحب در بیابانی رهاشده‌اید. ریسمان وحدتی شمارا به هم نزدیک نمی‌کند. و درجایی دیگر حضرت می‌فرماید: و ثیاب المتدعایه کل ما حیصد. در خطبه 69 حضرت می‌فرماید «**فَکلَّمَا جُمِعَتْ مِنْ جَانِبٍ انْتَشَرَتْ مِن آخَرَ»[[15]](#footnote-15)**شما مانند لباس مندرسی که هرجای دیگری از آن را وصله می‌کنید از جای دیگر پارگی خود را نشان می‌دهد. لباسی که عمر خود را تمام کرده است. شما مردمان زیادی هستید که نخ وحدت الهی در شما نیست. اهل کوفه، مردمی که به اصرار به خانهٔ من داخل شدید و امروز از آزمون موفق بیرون نمی‌آیید. بدانید به خدا قسم من مطمئنم که سپاه شام بر شما غلبه خواهد کرد. **«باجتماعهم علی باطلهم و تفرقکم عن حقکم»[[16]](#footnote-16).** سپاه فساد شام بر باطل خود مجتمع‌اند و شما پیروان حق در حقتان متفرقید «**معصیتکم امامکم فی الحق»[[17]](#footnote-17).** این جملات، دردهای حضرت است که باید برای آن گریست. این روانشناسی ضعیف و سست عنصری مردم کوفه که علی را به شکست کشاند و برای ما این درس را باقی نهاد که شما برحقتان جمع نیستید در حالی که آن‌ها بر باطلشان جمع‌اند، شما امام حقتان را نافرمانی می‌کنید در حالی که آن‌ها امام باطلشان را فرمان‌بری می‌کنند. **«و بادائهم الامانة الی صاحبهم و خیانتکم»[[18]](#footnote-18)**آن‌ها امانتشان را به سرمنزل می‌رسانند، شما در امانت خیانت می‌کنید، امانت علی (ع) دو امانت بود، هم امانت خدا، که فرمان رسول خدا (ص) بر امامت علی (ع) بود و هم بیعت مردم با علی (ع) بود. بیعتی که در تاریخ اسلام سابقه نداشت، بیعتی که حضرت علی (ع) می‌فرماید: آن‌قدر به خانهٔ من هجوم آوردند که نزدیک بود حسن و حسین (ع) زیر پای مردمان له شوند. توان مقاومت را از من گرفتید. اما امروز امانت خدا، وصیت رسول خدا (ص) و امانت خودتان که بیعتتان بود، شما مردم کوفه به این امانات خیانت کردید. در خطبهٔ 27 حضرت می‌فرماید: **«و اللّه یمیت القلب و یجلب الهمّ من اجتماع هؤلاء علی باطلهم، و تفرّقکم عن حقّکم»[[19]](#footnote-19)**به خدا قسم دل را می‌میراند، غم‌های عالم را جلوی چشمانم مجسم می‌کند، وقتی‌که به شما نگاه می‌کنم می‌بینم که در حقتان پراکنده‌اید و آنان بر باطلشان مجتمع. در خطبهٔ 29 حضرت باز می‌فرماید: «**أیها الناس** المجتمعة **أبدانهم**، **المختلفة أهواؤهم»[[20]](#footnote-20)**مردمی که جسم شما، جمع است اما جان شما پراکنده است. **«کلامکم** یوهی الصم الصلاب، و **فعلکم یطمع فیکم الاعداء»[[21]](#footnote-21)** سخن مذلت آفرین شما دلسردکنندهٔ شما، کوه‌های استوار را از هم می‌پاشد و کار شما دشمن را بر شما به طمع می‌اندازد.
2. عامل دوم، سستی بود که در ارکان جامعهٔ کوفه پدید آمده بود، توطئه‌های معاویه وسستی درون کوفه، فضا را تاریک کرده بود. حضرت علی (ع) قبل از این‌که به سراغ معاویه برود نالهٔ او از درون صفوف مردم کوفه بود. اولین عامل که در چندین جای نهج‌البلاغه حضرت بیان می‌دارد، پراکندگی، دل‌های دور از هم، دور شدن از ریسمان وحدت الهی و سستی ایمان و اعتقاد در صفوف مردم کوفه بود. **«أَلَا وَ إِنِّی قَدْ دَعَوْتُکمْ إِلَی قِتَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَیلًا وَ نَهَاراً وَ سِرّاً وَ إِعْلَاناً وَ قُلْتُ لَکمُ اغْزُوهُمْ»[[22]](#footnote-22)**چقدر شمارا به جهاد، وحدت و یکپارچگی فراخواندم، توطئه دشمن را بر شما برشمردم اما **«فتواکلتم و تخازلتم حتی شنت علیکم الغارات» سستی** به خرج دادید، تا آن هنگام که حمله‌ها بر شما شد و از هر سو دشمن بر شما هجوم آورد و وطن شمارا تملک کردند. من شمارا به حفظ افتخارات و سربلندی ایمانی و اعتقادی فراخواندم. شمارا به دفاع و حفظ کیان جامعه فراخواندم اما سستی به خرجی دادید، و در ادامه می‌فرماید: **«یا أشباه الرجال ولا رجال»** [[23]](#footnote-23)شما به‌ظاهر مرد هستید اما نامردانی بیش نیستید**. «حُلوم الأطفال، وعقول رَبَّات الحِجال»[[24]](#footnote-24)**. شما در خواب‌های بچه‌گانه به سر می‌برید و از تحلیل درستی از دشمن و هجوم‌های دشمن غافلید. **«لَوَدِدْتُ أَنِّی لَمْ أَرَکمْ وَ لَمْ أَعْرِفْکمْ»[[25]](#footnote-25)** مشتاقان علی (ع) امروز این دردها ممکن است تکرار شود. به خدا قسم دوست داشتم که هرگز شمارا نبینم. این گفته‌ها، از زبان مردی خارج می‌شود که مانند کوه استوار بود و این مردم کاری کردند که آن مرد بزرگ این‌گونه احساس عجز کند. **«قاتلکم اللّه لقد ملئتم قلبی قیحا»[[26]](#footnote-26)**خدا شمارا بکشد، مردم کوفه کاری با حضرت علی (ع) می‌کند که این‌گونه لعن و نفرین می‌کند. حضرت علی (ع) مردی است که به قاتل خود در مسجد پناه می‌دهد، مردم چه با آن قلب نورانی کردند که این سخنان از زبان حضرت علی (ع) بیرون می‌شود. به خدا قسم دلم را پر از چرک کردید. سینه‌ام را پر از کینه کردید. تا جایی که دشمن گفت علی (ع) مرد شجاعی است ولی آگاه به جنگ نیست نه این‌گونه نیست. به خدا قسم من در کوچکی وارد جنگ شدم**، «لقد نهضت فی‌ها و ما بلغت العشرین»[[27]](#footnote-27)** من شمشیر به دست گرفتم و پا به عرصه‌های جنگ و کارزار اسلام گذاردم، زمانی که بیست سال نداشتم، من و ترس کجا. من آگاه و آشنای با فنون جنگی اما مواجه با مردمان سست و متخاصم هستم. در خطبهٔ 34 می‌فرماید**: «اذا دعوتکم الی جهاد عدوکم دارت اعینکم، کانکم من الموت فی غمره»[[28]](#footnote-28)**وقتی شمارا به جنگ و مقاومت در برابر دشمن فراخواندم. اعلان بسیج عمومی دادم، مانند محتضر شدید، آن‌چنان ترس در جان شما ریشه دوانده است که چشمتان از قدرت شما بیرون می‌رود. گویا در حال احتضار قرار گرفتید. تفرق، سستی در ایمان و ترس و زبونی که در جامعه شیوع پیداکرده بود. در کوفه مردمان خوب وجود داشت اما جوّ جامعه به دلیل عواملی که ذکر شد، روح اجتماعی آمادهٔ پذیرش ذلّت شد و نتیجتاً شما استقامت خودتان را از دست داده‌اید و تا پایان کار استوار نماندید. حضرت در خطبهٔ 71 می‌فرماید: **«یا أَهْلَ اَلْعِرَاقِ فَإِنَّمَا أَنْتُمْ کالْمَرْأَةِ اَلْحَامِلِ حَمَلَتْ فَلَمَّا أَتَمَّتْ أَمْلَصَتْ وَ مَاتَ قیم‌ها»[[29]](#footnote-29)**شما مانند زنی هستید که نه ماه دشواری حمل را تحمل کرد اما در روزهای آخر، فرزندش را سقط کرد و شوهرش را از دست داد. شمابه طور صحیح انحراف اجتماعی را تشخیص داده‌اید ولی نزدیک پیروزی از من جدا شدید. همان‌طور که در جنگ صفین حضرت علی (ع) در آستانهٔ پیروزی مواجه با مردمانی شد که پیشانی‌شان از سجده پینه‌بسته بود اما از درک حقایق عاجز بودند. ادعای تقدس داشتند و از همراهی با ولایت و امامت کنار کشیدند. این دردی بود که حضرت متعدد به آن اشاره می‌کند. غفلت شما عامل دیگری است که دشمن را نمی‌شناسید، نمی‌فهمید که چه فریب‌ها و توطئه‌ها کشیده شده است. این غفلت شمارا به این روز کشانده است**. «تکادون ولا تکیدون»[[30]](#footnote-30)**نقشه‌ها برای شما می‌کشند ولی شما غافلید. آن‌ها مقصر نیستند، تقصیر به دل‌وجان شما برمی‌گردد که خودتان استوار نیستید. عقل و آگاهی درست سیاسی و اجتماعی ندارید. **«لا ینام عنکم و انتم فی غفله ساهون»[[31]](#footnote-31)**شما مردمی هستید که دشمن، شمارا تحت نظارت قرار داده، آن‌ها در کنترل شما آگاه‌اند ولی شما در غفلت‌ها و سهوها غوطه ورید و ای بدترین مشکلی است که در جامعه ای رخ می‌دهد. جامعه ای که ارکان اعتقادی در آن سست شده است و تفرقه در صفوف آن ریشه دوانده است. سستی‌ها پدید آمده و استقامت رخت بربسته است غفلت جامعه را فراگرفته است. این عوامل به دلیل ضعف‌های ایمانی و سستی‌ها، پایهٔ همهٔ حوادث اجتماعی روحیات افرادی هست که در کنار هم تولید پیروزی یا شکست می‌کند. پایهٔ پیشرفت و اعتلای هر جامعه درروان و روح جامعه قرار دارد. اگر یک نسل ایمانی، آگاه سست نباشد، شاهد پیروزی‌های متعددی خواهد بود. اما اگر این‌چنین نبود، با بودن امامی همچون حضرت علی (ع) سودی نمی‌کند و شکست می‌خورد. غفلت‌ها و سستی‌ها و ... بدترین خسرانی بود که اهل کوفه تجربه کردند. علی (ع) را قدر ندانستند و نشناختند. حضرت می‌فرماید: امروز خواهد گذشت ولی «**وَ إِنَّ أَخْوَفَ الْفِتَنِ عِنْدِی عَلَیکمْ فِتْنَةُ بَنِی أُمَیةَ فَإِنَّهَا فِتْنَةٌ عَمْیاءُ مُظْلِمَةٌ عَمَّتْ خُطَّتُهَا»[[32]](#footnote-32)**روزها خواهد گذشت اما فتنهٔ بنی‌امیه برای شما درس‌های بزرگی خواهد داد. امروز غفلت و سستی و ... شمارا از بین برد اما در انتظار فتنهٔ کور کمرشکن بنی‌امیه باشید. می‌دانیم که بنی‌امیه چندین قرن بدترین استبدادها را به مردم عراق روا داشتند «**وَ ایمُ اللَّهِ لَتَجِدُنَّ بَنِی أُمَیةَ لَکمْ أَرْبَابَ سُوءٍ بَعْدِی»[[33]](#footnote-33)**. بعد از من خواهید دید که حاکمان ستم‌پیشه که برای مردم ارزشی قائل نیستند بر شما مسلط می‌شوند. علی (ع) که به دشمن خودش در مسجد خود اذن اشکال می‌دهد و امیرالمؤمنین منطقی جوابش را می‌دهد علی (ع) که برای محروم و یتیم شما جان می‌داد، او را نپذیرفتید در انتظار معاویه و حجاج و خلیفه‌های بنی‌امیه باشید که روزگار را بر نسل‌های آینده شما حاکم می‌کند. حکمیت دل‌خراشی که بر علی (ع) تحمیل شد درد بزرگ تاریخ بشریت است. حضرت می‌فرماید «**اما بعد، فان معصیه الناصح الشفیق العالم المجرب تورث الحسره»[[34]](#footnote-34)**از من دلسوزی را نپذیرفتید و این عمل حسرت را برای شما به ارمغان می‌آورد. سخنان الهام‌بخش را از من نشنیدید و پشیمان می‌شوید**. «بمن لا یطیع اذا امرت و لا یجیب اذا دعوت»[[35]](#footnote-35)**. کسانی که سخن مرا نمی‌شوند و فریاد استغاثه مرا جواب نمی‌دهند**، «أما إنّکُم سَتَلْقَونَ بَعدی ذُلاً شاملاً و سَیْفا قاطِعا»[[36]](#footnote-36).** بدانید که به‌زودی یک ذلت همه شمارا فرا خواهد گرفت شمشیر برانی پشت سر شما خواهد آمد که بر شما رحم نمی‌کند. استبدادی در حاکمان شما پدید می‌آید که به‌صورت یک سنت در میان شما باقی خواهد ماند. چند قرن بنی‌امیه و بنی‌عباس با شما برخورد ظالمانه خواهد کرد. راه نجات شما در این بود که به راه زلال وحی بازگردید. مبنای رسالت و امامت و ولایت را پایهٔ رفتار اجتماعی خودتان قرار بدهید. سپاه ترس و نومیدی را از خود دور کنید و دنبال علی (ع) حرکت کنید اگر چنین نکنید. در ایام شهادت مولا و روز قدس که روز افتخار عالم اسلام باشد از سخنان حضرت علی (ع) چه می‌فهمیم. اگر عواملی که در مردمان کوفه بود و موجب شکست آنان شد در نسل جوان امروز باشد باید شاهد فتنه‌های گوناگونی باشیم. اما با شناخت زمان و وحدت و با اندیشهٔ روشن حرکت کردید، آیندهٔ روشن خواهید داشت.

# ذکر مصیبت

**«السلام علیک یا امیرالمؤمنین یا علی بن ابی طالب، سلام و درود خدا بر تو.»**

روای (اشعث بن قیس) نقل می‌کند، از روز اولی که علی (ع) به کوفه آمد، خطبه‌ای از حضرت نشنیدم، خطبه‌ای را حضرت به خودش خطاب می‌کند که علی هر وقت پایهٔ خطبه تو نشستم، و خطبهٔ شمارا شنیدم به خدا قسم من شایسته‌ترین شما به خلافت و زعامت و امامت هستم **«ما زلت مظلوما منذ قبض الله نبیه»[[37]](#footnote-37)**به خدا قسم از روزی که رسول خدا (ص) از میانم رفت من مظلوم بودم. قربان مظلومیتت علی (ع). ای کسی که تو خود برای خود روضه خواندی، سلام خدا بر تو. درود خدا بر آن قلب نازنین که مهد رسالت و امامت بود اما آن‌طور نابخردانه با آن رفتار کردند، علی (ع) لحظهٔ شهادت برایش دشوار نبود. هم به دلیل آن دید عرفانی و لقاءالله و هم به دلیل گذشتهٔ پر از درد. فدای مظلومیت مولایمان شویم که از هر دو نظر حضرت علی (ع) آرام گرفت. حضرت علی (ع) در محراب عبادت گویا دورهٔ غم‌ها و پیمان شکنی‌ها در جلوی چشمان حضرت مجسم می‌شود ازاین‌جهت است که وقتی شمشیر بر فرق مبارکش فرود می‌آید صدا می‌زند **«فزت و رب الکعبه»** به خدای کعبه که آزاد شدم. سلام و درود خدا بر تو باد.

**«و سیعلم الذین ظلموا ای منقلب ینقلبون»**

خدایا تو را به مقام علی (ع) قسم می‌دهیم ما را عاشق و محب علی (ع) قرار بده!

1. **. سوره اعراف، آیه 43.** [↑](#footnote-ref-1)
2. **سوره الحشر/18** [↑](#footnote-ref-2)
3. **روضة الصفا - ج 1 ص:173** [↑](#footnote-ref-3)
4. **شرح نهج البلاغه محمد تقی شوشتری – خطبه ۱۸۸** [↑](#footnote-ref-4)
5. **نهج البلاغه، خطبهٔ 92** [↑](#footnote-ref-5)
6. **نهج البلاغه / خطبه 97** [↑](#footnote-ref-6)
7. **نهج البلاغه/ خطبه 96** [↑](#footnote-ref-7)
8. **نهج البلاغه/ خطبه 97** [↑](#footnote-ref-8)
9. **نهج البلاغه /خطبه 197** [↑](#footnote-ref-9)
10. **نهج البلاغه/خطبه 97** [↑](#footnote-ref-10)
11. **نهج البلاغه/خطبه 97** [↑](#footnote-ref-11)
12. **نهج البلاغه/خطبه 97** [↑](#footnote-ref-12)
13. **نهج البلاغه/خطبه 97** [↑](#footnote-ref-13)
14. **نهج البلاغه/ خطبه 34** [↑](#footnote-ref-14)
15. **نهج البلاغه/ خطبه 69** [↑](#footnote-ref-15)
16. **نهج البلاغه، خطبه 25.** [↑](#footnote-ref-16)
17. **نهج البلاغه/ خطبه 25** [↑](#footnote-ref-17)
18. **نهج البلاغه/ خطبه 25** [↑](#footnote-ref-18)
19. **نهج البلاغه/خطبه 27** [↑](#footnote-ref-19)
20. **نهج البلاغه / خطبه 29** [↑](#footnote-ref-20)
21. **نهج البلاغه / خطبه 29** [↑](#footnote-ref-21)
22. **نهج البلاغه/ خطبه 27** [↑](#footnote-ref-22)
23. **نهج البلاغه / خطبه 27** [↑](#footnote-ref-23)
24. **نهج البلاغه / خطبه 27** [↑](#footnote-ref-24)
25. **نهج البلاغه / خطبه 27** [↑](#footnote-ref-25)
26. **نهج البلاغه / خطبه 27** [↑](#footnote-ref-26)
27. **نهج البلاغه / خطبه 27** [↑](#footnote-ref-27)
28. **نهج البلاغه /خطبه 34** [↑](#footnote-ref-28)
29. **نهج البلاغه /خطبه 71** [↑](#footnote-ref-29)
30. **نهج البلاغه / خطبه 34** [↑](#footnote-ref-30)
31. **نهج البلاغه / خطبه 34** [↑](#footnote-ref-31)
32. **نهج البلاغه / خطبه 6** [↑](#footnote-ref-32)
33. **نهج البلاغه / خطبه 93** [↑](#footnote-ref-33)
34. **نهج البلاغه / خطبه 35** [↑](#footnote-ref-34)
35. **نهج البلاغه / خطبه 39** [↑](#footnote-ref-35)
36. **نهج البلاغه / خطبه 58** [↑](#footnote-ref-36)
37. **شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید ج 20 ص 283 ش 241** [↑](#footnote-ref-37)